

و جمهوری اسلامی بطور مشخص است. آپارتاید جنسی سیستمی است که دولتها و جریانات اسلام سیاسی به زور بر مردم تحمیل کرده اند. آپارتاید جنسی سیاستی شنیع و همطراز آپارتاید نژادی است و همچون آپارتاید نژادی باید از جامعه بشری طرد شود. زن و مرد باید در تمامی شئون زندگی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و فرهنگی برابر باشند. بشریت متمدن نباید اجازه دهد که در هیچ گوشه ای از جهان چنین رفتار شنیعی با انسانها شود. از اینرو ما امضا کنندگان زیر خواهران:

- ۱- محکومیت سیستم آپارتاید جنسی توسط کلیه مجامع بین المللی و حقوق بشری هستیم.
- ۲- محکومیت رژیم اسلامی ایران بمثابه سمبل سیستم آپارتاید جنسی در جهان هستیم
- ۳- اخراج دولتهای مبتنی بر آپارتاید جنسی از کلیه مجامع بین المللی هستیم

<http://www.againstgenderapartheid.com/>



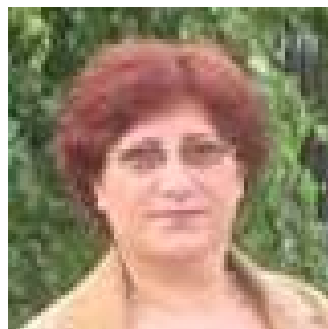
## کوتاه اما مهم!

### سایت علیه آپارتاید جنسی شروع به کار نمود

قطعه نامه علیه آپارتاید جنسی که در کنفرانس سوم سازمان آزادی زن در سپتامبر ۲۰۰۶ به تصویب رسید، تأکیدی بر یک وجه مشخص و همیشگی مبارزه بر علیه اشکال مختلف آپارتاید جنسی بود. اکنون سایت علیه آپارتاید جنسی کار خود را آغاز نموده است. این سایت تلاش خواهد نمود که کانالی برای انعکاس اخبار مبارزه علیه نظام آپارتاید جنسی و همچنین سازمان دادن یک شبکه گسترده جهانی علیه نظام موجود در ایران باشد. ما همه ی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب را به مبارزه ای گسترده برای از بین بردن آپارتاید جنسی فرامی خوانیم.

### بخشی از قطعه نامه علیه آپارتاید جنسی

آپارتاید جنسی از اشکال زشت و کریه زن ستیزی و تبعیض علیه انسانها در برخی از جوامع کنونی و



پروین کابلی

باشند. نباید اجازه داد که دعا به فراموشی سپرده شود.

دستگیری زنان در ایران به خاطر بدحجابی هنوز ادامه دارد. مقاومت زنان در مقابل حکومت اسلامی مقاومتی به قدمت این حکومت است. خنده دارترین اظهار نظر در این مورد را باید از رئیس جمهوری ایران شنید که در مقابل سوال خبرنگاری میگوید: "شان مردم ایران این نیست که بگویند مشکل جوانان ایران درست کردن مویشان است. یعنی واقعا مشکل اینها؟" باید گفت: نه آقای رئیس جمهور، شان مردم ایران این نیست که شما رئیس جمهورشان باشید. شان مردم ایران استقرار حکومتی انسانی و برابری طلب است. شما و حکومت آپارتاید جنسیتان باید بروید. شان شما در زباله دانی تاریخ است.

و نکته آخر، سایت علیه آپارتاید جنسی از این هفته رسماً کار خود را آغاز نمود. آدرس سایت در همین شماره چاپ شده است. به منظور گسترش یک کمپین جهانی برای آفشاء کردن و به عقب راندن نظام آپارتاید جنسی در ایران به کمک و همکاری همه فعالین برابری طلب در سراسر جهان نیاز است. به این کمپین بپیوندید.

پروین کابلی

نیمه اول مه ۲۰۰۷

## سخن سردبیر

هفته گذشته شماره ۲۱ نشریه بعد از مدتها به کوشش همکارانم اسماعیل اوجی و نیاز قانلی و سردبیری آذر ماجدی منتشر گردید. مشکلات عذیبه ای دارم از جمله مریضی که دامنگیرم شده است.

اما انگار هر چند که مریض هم باشی مبارزه برای تغییر زندگی انسانها دست از سرت برنمی دارد. این هم شاید یک نوع مریضی باشد. تلاش می کنم که نشریه دوباره منظم منتشر شود.

خبر قتل دعا دختر ۱۷ ساله ای که مثل هر دختر جوانی در این دنیای خاکی در سنبلین جوانی عاشق میشود، قلبم را تکان داد. بیشتر از گریه کردن خشمگین شدم. خودم مادر هستم و دختر جوان دارم. به مادرش فکر کردم. میدانم که بسیاری مادران سنت پرست و مدافع ناموس در هنگام قتل دخترانشان یا خاموشند و در خلوتشان گریه می کنند یا فعالانه در قتل دخترانشان شرکت می کنند. فکر کردم مادر دعا چکار میکند. شاید برایش دعا میکند. فکر کردم مگر دعای جوان دعا میخواست؟

مقصرتر از همه حکومت کردستان است. حکومت کردستان در طول این مدت نتوانسته است راه را برای شرایط بهتر و انسانی تر زندگی زنان در کردستان عراق فراهم آورد. هنوز که هنوز است قوانین اسلامی و سنت های عشیره ای و قومی قربانیان خود را از زنان می گیرد. فعالین حقوق بشر در سراسر جهان باید همبستگی خود را با ارسال نامه های اعتراضی در مورد وضعیت زنان به حکومت کردستان نشان دهند و خواهان بهتر شدن وضعیت زنان و تصویب قوانین انسانیتز برای دفاع از حقوق زنان

**هنوز در زندان است!**

زنان زندانی در ایران به یک پدیده معمولی در ایران تبدیل شده اند. از سرنوشت بسیاری از این زنان امروز نه تنها جامعه ایران بلکه فعالین حقوق بشر نیز مطلع نیستند. جرم بسیاری از این زنان زیستن در ایران و زن بودن است. نظام آپارتاید جنسی رسما و قانونا ایران را به زندانی به ویژه برای زنان تبدیل نموده است. قوانین نابرابر، فقر، تنگدستی و تلاش برای برابری و یک موقعیت بهتر جرم اصلی بسیاری از این زنان است.

نشریه آزادی زن از این شماره ستونی با نام **هنوز در زندان است!** را باز نموده و تلاش خواهد نمود که هر هفته یک زن زندانی در ایران را به خوانندگان خود معرفی نماید. این هفته زینب پیغمبر زاده که هم اکنون تلاش برای آزادی او در جریان است را معرفی میکنیم. چنانچه از سرنوشت زن یا زانی در زندان خبر دارید ما را مطلع کنید تا منعکس کننده سرنوشت آنها باشیم.

**هنوز در زندان است!**

زینب پیغمبر زاده 24 ساله، دانشجوی جامعه شناسی، فعال زن و خبرنگار صفحه زنان روزنامه سرمایه است. جرم وی اعتراض به احضار فعالین زن به دادگاه میباشد. وی، که به همراه 32 تن از فعالان جنبش زنان روز 13 اسفند در مقابل دادگاه انقلاب تجمع کرده بودند، به دادگاه احضار و سپس زندانی شد.

پدر زینب میگوید، "دختر من هیچ جرمی مرتکب نشده است. تنها دلیل بازداشت زینب عدم مراجعه به دادگاه پس از احضار تلفنی عنوان شده است. مشکل دخترم این است که با قانون آنقدر آشنایی دارد که بداند احضار تلفنی غیر قانونی است. من به عنوان یک انسان به عقاید دخترم احترام میگذارم!"

**تحقیق در مورد اپیدمی خود سوزی زنان در تاجیکستان**

لورین میوت (Lorraine Millot) از روزنامه فرانسوی زبان لو کوریه (Le Courrier)

2007-05-09

مترجم: مرجان افتخاری

برای آنها نیستیم.

**گفتگو با دو زن جوان**

ساریون، زن جوان 26 ساله‌ای که اقدام به خود سوزی کرده بود بخشی از زندگی فلاکت بار خود را این چنین تعریف کرد: من نمی خواستم خودسوزی کنم، فقط میخواستم خانواده‌ام، بویژه برادرم را بترسانم. زیرا او همیشه مرا زیر لگد میگرد. من از سن 12 سالگی در دانشگاه دوشنبه بعنوان نظافتچی کار کردم. با پولی که در آوردم میتوانستم درس بخوانم. دوست داشتم وکیل بشوم. من تنها دختر خانواده هستم و برادرم اصرار دارد که من در خانه بمانم و بعنوان خدمتکار در خانه کار کنم، برای همین اکثر اوقات مرا زیر لگد میگرد. فکر کردم، خود سوزی تنها راه نجات من از این شرایط است

با نرگس، زن 24 ساله دیگری که در دهکده‌ای در 30 کیلومتری دوشنبه زندگی میکند در مورد شرایط زندگی‌اش صحبت کردیم.

نرگس میگفت که همسرش مانند بسیاری دیگر از مردهای این دهکده برای کار به روسیه رفته است. اکثر آنها به عنوان باربر آنجا کار پیدا میکنند. در مدت 6 ماهی که رفته، فقط یک بار پول فرستاده است. من نمی دانم چقدر پول برای خانواده‌اش (پدر و مادر خودش) فرستاده است. اینجا، اصلا مرسوم نیست که زن در جریان امور مالی همسرش قرار بگیرد. ولی خانواده او برای درمان بچه کوچکم که اکثر اوقات مریض است به ما کمی پول دادند. نرگس ادامه داد که من شوهرم را قبلا نمیشناختم تنها در روز ازدواج با او آشنا شدم. خانه ما همانطور که میبینید نه آب دارد و نه برق. من فقط یک باغ کوچک دارم که با آن زندگی دو بچه‌ام را میگذرانم. برای من کار کردن در باغ، کاشتن، درو کردن و بچه داری مشکل است ولی خوب راه چاره دیگری نیست. من هم در مورد خودسوزی‌ها شنیده‌ام ولی فعلا ناراضی نیستم.

ستم بر زن موقوف!

پزشکی که در مرکز سوانح و سوختگی‌های درجه 1 کار میکند اظهار داشت که هر سال بیش از 50 زن خود سوزی کرده را معالجه میکند. این تعداد کسانی است که به بیمارستان پایتخت (دوشنبه) آورده میشوند. تعداد زیادی از آنها قبل از آنکه به بیمارستان آورده شوند میمیرند. این پزشک هم دلیل اصلی خود سوزی زنان را مشکلات خانوادگی ارزیابی میکند. در تاجیکستان چند همسری و اطاعت از مرد و مادر شوهر دلایل اصلی خود سوزی‌ها است. زمانی که مرد همسر دوم اختیار میکند، به زن اول پول و مخارج کمتری میرسد، وضعیت مالی زنان را زمانی که مرد همسر سوم و چهارم هم داشته باشد در نظر بگیرد. غیر از مسئله مالی و شرایط بد اقتصادی، طبق فرهنگ و سنت، زن اول احساس تحقیر و سرافکنندگی را هم باید تحمل کند.

یکی از مسئولین سازمان غیر دولتی بنام مادر در این مورد اینطور اظهار نظر میکند:

به تمام این شرایط یعنی فقر، بدبختی، بیکاری، مردسالاری و کتک خوردن، شبکه‌های معاملات زنان را هم که بسیار فعال هستند باید اضافه کرد. هر سال از طریق این شبکه‌ها هزاران زن جوان به عنوان فاحشه از تاجیکستان به خارج، به ویژه به امارات عربی و ترکیه، ارسال میشوند.

جنگ همه چیز را در این جا ویران کرده است، تعادل روانی و اخلاقی بسیاری از تاجیک‌ها را تغییر داده خود را تشویق میکنند که به کشورهای عربی و امارات و یا کشورهای دیگر بروند. اکثر آنها در شهر دوشنبه دستگیر میشوند و پس از گذراندن چند ماه در زندان، به اعضاء و یارنایس شبکه معاملات تبدیل میشوند. متأسفانه ما امکانات لازم برای تغییر شرایط آنها را نداریم. این زنان احتیاج به کار، پول و شرایط بهتر زندگی دارند که ما قادر به ایجاد و فراهم کردن این شرایط

در تاجیکستان فقر، بیکاری و اطاعت کامل از مرد دلیل خود سوزی صدها زن در سال است. برای تحقیق در مورد شرایط زندگی زنان و خود سوزی آنها با چندین نفر از جمله روانپزشکان، پزشکان بیمارستان سوانح و سوختگی، سازمان‌های غیر دولتی (ONG) که در این زمینه فعالیت می‌کنند و چند زن جوان ملاقات کردیم.

یکی از روانپزشکان که بیشتر در این زمینه تجربه دارد، در مورد گذشته و زندگی کنونی زنان چنین اظهار داشت: زندگی زنان تاجیک واقعا یک فاجعه است. در گذشته، حزب کمونیست اتحاد شوروی، برابری ظاهری بین زن و مرد را به این منطقه تحمیل کرد، یک نوع قانون برابری بدون درک درست و واقعی از مفهوم این برابری. در حال حاضر، سنت‌های قدیمی، چند همسری و اطاعت مطلق زن از مرد دوباره رایج شده است.

به نظر من، فقر، بدبختی، شرایط بد اقتصادی، مرد سالاری و چند همسری دلایل اصلی خود سوزی صدها زن در سال است. در حقیقت، خود سوزی زنان از نظر روانپزشکی بیانگر بن بست و ناامیدی کامل آنها است. آمار دولتی و سازمان بهداشت جهانی (OMS) در مورد خودکشی زنان در این کشور کاملا غیر واقعی است (از هر 100,000 نفر 2,3 نفر خود کشی می‌کنند). اگر چه بیشتر خانواده‌ها خود سوزی زنان را پنهان میکنند و آنرا تصادفات خانگی جلوه میدهند ولی باید به روشنی و بدون تردید در مورد اپیدمی خود سوزی زنان در تاجیکستان صحبت کرد.

اکثر این خود سوزی‌ها ناشی از درگیری‌های خانوادگی و شرایط زنان در خانواده است، چرا که بطور سنتی، زن جوان باید با خانواده همسر زندگی کند و باز بطور سنتی باید از همسر و مادر همسر خود اطاعت کند. در چنین شرایطی، با زنان جوان مانند خدمتکار خانگی رفتار میشود.

## چند اظهار نظر از دوستانی که به وب لاگ خبری آزادی زن سر زدند

نویسنده: مهرداد todel  
پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۶  
ساعت: 20:48  
جامعه‌ی ما مثل یک تسبیح می‌مونه دولت مردای این جامعه این قدر بی خیال بودند که این تسبیح پاره شده و همه‌ی دونه‌های اون به په طرفی رفته و جمع کردن این دونه‌ها هم کار آسانی نیست. پس اونا نمیتونن به دفعه با په همچین طرحی همه چی رو عوض کنن. چون اونا با په مشت جوونی سرو کار دارن که مدتها آزاد بودند و حالا نمیتونن اونا رو په دفعه لای منگنه قرار بدن. من با طرح خیلی مخالف نیستم ولی میدونم بی فایده است و بیشتر شبیهه په ...

نویسنده: مجید گل  
جمعه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۶ ساعت: 2:6  
بعد از تودهنی که ولایت فقیه از آقای اسحاق آبادی خورده این بگیر و ببندها زیرپوشش مبارزه با بدحجابی نوعی نمایش قدرت و یا ایجاد ارباب است جهت جلوگیری از شورش عمومی و دفع الوقت بجهت خروج سرمایه هایشان. اما آنچه که مهم است حذف ولایت فقیه بسیار نزدیک است و به دنبال آن مجلس مصلحت - شورای نگهبان - خبرگان و..... در حقیقت دوره یک تحول بزرگ سیاسی در حکومت هست که در های آزادی را می گشاید مگر آنکه این شخص خریده شود و پرونده امنیتی در نطفه افشا خفه شود .

نویسنده: غلامرضا  
یکشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۸۶ ساعت: 7:53  
با درود، تا کی میخوان با این اعمال عصر حجری به انسانیت ما دهن کجی و مانند حیوون با مردم برخورد کنن؟

به شما میگم! تا زمانی که خود ما این اعمال رو تحمل می کنیم!!! به امید روزهای بهتر.

نویسنده: گل سرخ  
جمعه ۷ اردیبهشت ۱۳۸۶ ساعت: 23:51



آپم

نویسنده: قاصدک  
یکشنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۸۶ ساعت: 0:26  
سلام. خوب هستین؟ باید بگم که من هم با نظر شما موافقم. اما چه گونه؟ کاش میشد بعد از 30 سال به اونا فهموند که بگذارید لباسمان را خودمان انتخاب کنیم. بگذارید مد مویمان را خود انتخاب کنیم. والله چیزهای مهمتری هم هست. دست از سر ما بردارید و کمی به آنها فکر کنید! شاد باشید .



Photo: Majid Saedi

FARS NEWS AGENCY

# سازمان آزادی زن Women's Liberation - Iran

## میز اطلاعاتی سازمان آزادی زن در شهر گوتنبرگ سوئد!

بازدید میکردند و پتیشین را امضا مینمودند.

میز اطلاعاتی سازمان آزادی زن در این روز به مرکزی برای جلب توجه

افکار عمومی به موقعیت فرودست زنان در ایران در حاکمیت اسلام

از ساعات اولیه صبح که برنامه‌های ویژه این روز شروع میشد میز اطلاعاتی سازمان آزادی زن هم در مرکز تجمع اول ماه مه در میدان یرن توریت برقرار شد.

این میز که با اطلاعیه‌های سازمان آزادی زن و نشریه مدوسا به



سیاسی در ایران تبدیل گردید. سازمان آزادی زن همه مردم آزادخواه و برابری طلب را به اعتراض علیه جمهوری اسلامی و آپارتاید جنسی حاکم بر زندگی مردم ایران دعوت نمود.

زبانهای انگلیسی و فارسی تزئین شده بود توجه بسیاری از شرکت کنندگان در این تجمع را به خود جلب نمود.

عکسهایی از حمله رژیم اسلامی به زنان و مردان جوان به بهانه مبارزه با بدحجابی توجه تجمع کنندگان را به خود جلب می کرد. اطلاعیه‌هایی در پشتیبانی از دانشجویان دانشگاه‌های ایران به زبان انگلیسی در میان مردم پخش گردید. پیام آذر ماجدی در رابطه با اول مه در میان مردم توزیع گردید. همچنین پتیشن (Petition) اعتراضی سازمان آزادی زن در اعتراض به ضرب و شتم زنان در ایران مورد استقبال مردم قرار گرفت و بسیاری از میز اطلاعاتی سازمان آزادی زن

زنده باد آزادی زن  
زنده باد اول ماه مه  
مرگ بر آپارتاید جنسی  
سازمان آزادی زن

[www.azadizan.com](http://www.azadizan.com)  
[www.wlsaz.blogfa.com](http://www.wlsaz.blogfa.com)

2 مه 2007

# به سازمان آزادی زن پیوندید

بیناگر اختلاف سطح درآمد مردان و زنان است. اما این موسسه در تحلیل خود سعی می کند حزب حاکم سوسیال مسیحی را مقصر جلوه دهد. حال آنکه این تفاوت نه تنها در مدت حاکمیت حزب سوسیال دمکرات، بلکه سالیان طولانی است که وجود دارد. از طرف دیگر این موسسه در تحلیل خود فراموش می کند عنوان کند؛ کارگری که کار جسمی انجام می دهد در مقابل کسانی که کار فکری می کنند؛ ۱ به ۳ حقوق دریافت می کند. و نیز اینکه در صد تفاوت حقوق زنان و مردان در سطوح غیر آکادمیک بسیار بالاتر است.

آنچه به نظر من در اینجا باید به آن توجه دقیق شود این است که نه تنها زن و مرد باید از نظر درآمد کاملا یکسان باشند بلکه:

- ۱- انسانها را با واژه های مرد و زن از هم جدا نکرد.
- ۲- از نظر ارزش و حقوق انسانی مطلقا برابر باشند.
- ۳- جامعه ای ساخت که در آن نه به کمک نهادهای اداری، بلکه بخودی خود، برابری زن و مرد در آن امری بدیهی و عادی باشد.

این جدول ضمن تاکید بر این نابرابری آن را ناشی از نقش مردان در رابطه با تصمیم گیری در مورد حقوق زنان دانسته، و خواستار راه حل های چاره جویانه در این رابطه شده اند.

اگر سطحی و ساده لوحانه این نوع توصیه ها و نتیجه گیریها مد نظر قرار گیرند، تصور خواهد شد که حقیقتی مطرح شده و گویندگان، دلسوزانه به دنبال راه حل می باشند. این آمار و ارقام کاملا به درستی

## زنان در کشور آلمان کمتر از مردان حقوق دریافت می کنند

### فرید حبیبیان فرد - آلمان

این نتیجه گیری از تحقیقات موسسه هانس بوکسر پس از بررسی مفصلی که در این رابطه انجام داده، بدست آمده است. کارشناسان این موسسه با اشاره به

در آلمان حقوق و درآمد زنان ۳۹٪ کمتر از حقوق و درآمد مردان است. در این کشور برابری حقوق و یا بنا به تعبیر خودشان هم پایه بودن زنان و مردان بیشتر ادعایی تو خالی است تا واقعیت.

شغل	تفاوت به در صد		
	در آمد ماهانه(ناخالص) مردان	در آمد ماهانه(ناخالص) زنان	
پزشک	€ 3.593	€ 3.385	-5,8%
مهندس آرشیوتکت	€ 2.677	€ 2.355	-12,0%
پرستار سالمندان	€ 1.835	€ 1.477	-19,5%
کارمند بانک	€ 3.040	€ 2.596	-14,6%
حسابرس	€ 2.438	€ 2.038	-16,4%
تکنسین آزمایشگاه شیمی	€ 2.066	€ 1.844	-10,7%
مهندس شیمی	€ 3.533	€ 3.101	-12,2%
فروشنده	€ 2322	€ 2196	-5,4%
مربی مهد کودک	€ 2246	€ 2062	-8,2%
نظافت چی	€ 1712	€ 1328	-22,4%
مهندس کامپیوتر	€ 7 360	€ 3138	-13,0%
حقوق دان	€ 3350	€ 3160	-5,7%
گارسون	€ 1299	€ 1150	-11,5%
آشپز	€ 1311	1148	-12,4%
پرستار	€ 2099	€ 1915	-8,8%
کارگر انبار	€ 1707	€ 1333	-21,9%
مهندس مکانیک	€ 3422	€ 2917	-14,8%
ریاضی دان	€ 3798	€ 3596	-5,3%
روانشناس	€ 3627	€ 3448	-4,9%
سر دبیر	€ 3214	€ 2642	-17,8%
مددکار اجتماعی	€ 2715	€ 2449	-9,8%
حسابدار	€ 3404	€ 2978	-12,5%



رئیس سازمان آزادی زن  
آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

سر دبیر نشریه  
پروین کابلی

parvinkaboli@yahoo.se

Tel: +46 707 744 020

دستیاران سردبیر  
نیاز قاندی  
اسماعیل اوجی

